

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۰۵ دسمبر ۲۰۱۶

ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۱۳

از سقوط سایگون تا واترگیت

به خاطر آن چه که در این مدارک آمده خیلی‌ها می‌توانند اعدام شوند.

رابرت مک‌نم‌آرا، وزیر دفاع در کابینه نیکسن^۱

ویتنامیزه کردن جنگ پروسه‌ای محکوم به شکست بود به این دلیل که پیش‌تر از این آزمایش شده بود. جنگ در سال ۱۹۶۵ "امریکانیزه" شده بود دقیقاً به این خاطر که اولین تلاش برای به اصطلاح ویتنامیزه کردن – یعنی ایده ایجاد رژیم با ثبات و گوش به فرمان ایالات متحده در جنوب پس از موافقتنامه صلح ژنیو در ۱۹۵۴ – به شکل فضاحت-باری شکست خورده بود. این شکست ریشه در ماهیت فاسد و فئودالی رژیم سایگون داشت. این رژیم فاقد هر گونه پایگاه اجتماعی بوده و نیروهای نظامی روحیه باخت‌اش نیز به هیچ وجه با نیروهای ناسیونالیست که از انگیزه‌های بسیار بالا برخوردار بودند برابری نمی‌کردند. با رویکرد دوباره به سمت این سیاست ورشکسته، ایالات متحده پیشاپیش شکست را به جان می‌خرید.

ایالات متحده عملاً در برابر دیدگان جهانیان در یک جنگ به زانو در می‌آمد. به گفته استلی کارناو، مورخ لیبرال، "نیکسن و کیسینجر شدیداً نیازمند یک ابتکار عمل تازه بودند."^۲ تا با توسل به آن بتوانند از این شکست پیش‌گیری کنند. این به اصطلاح "ابتکار عمل تازه" دخالت نظامی در یک کشور همسایه از آب در آمد که هدفش در وهله نخست از میان بردن راهک‌های هوچی‌مین بود. ایالات متحده می‌خواست که با حمایت آتش توپخانه سنگین و بمباران هوایی و تأمین تدارکات به طور عمده جنگ را به نیروهای ویتنام جنوبی بسپارد – به عبارتی ویتنامیزه کردن جنگ در بوتۀ آزمایش. بدین منظور، پانزده هزار تن از نیروهای ویتنام جنوبی در فبروری ۱۹۷۱ در طی عملیاتی موسوم به لام

¹ Young, p. 211.

² Ibid., p. 626.

سون-۲۷۱۹ وارد خاک لاوس شدند. نیروی هوایی ایالات متحده تعداد هشت هزار عملیات هوایی را در پشتیبانی از این تجاوزگری انجام داد. نیروهای ویتنام جنوبی بدون روبه رو شدن با هیچ مقاومتی ده‌ها کیلومتر در خاک لاوس پیشروی کردند. آن‌گاه، پس از این پیشروی اولیه ناگهان با ضد-حمله پنج لشکر ویتنام شمالی روبه رو شدند. نیروهای ویتنام جنوبی با از دست دادن هفتاد-و یک تانک و صد-و بیست-و هفت زره‌پوش بلافاصله دست به فرار به سمت مرز ویتنام جنوبی زدند. بیش از ۲۵۰۰ تن از نیروهای ویتنام جنوبی کشته و چند هزار تن مجروح شده و ایالات متحده نیز بیش از صد هلی‌کوپتر از دست داد. افتضاح لاوس ثابت نمود که ارتش ویتنام جنوبی حتی با حمایت آتش هوایی و تدارکات از سوی ایالات متحده نیروی بی‌مصرفی بیش نیست. در دو-ساله پایانی جنگ، موضع ایالات متحده در ویتنام دستخوش از هم پاشی سریعی شد. تعداد نیروهای ایالات متحده در پایان سال ۱۹۷۱ به صد-و-هشتاد-و-پنج هزار نفر کاهش یافت. ایالات متحده، اما، بمب‌افکن‌های ب-۵۲ را کماکان در ویتنام باقی گذاشته بود، هواپیماهایی که به توسط آن ایالات متحده انسان‌های بی‌شماری را کشته بود بدون آن که بتواند تأثیری بر ظرفیت رزمی خلق ویتنام بگذارد.^۴

مفسرهای رسانه‌های بستر اصلی به طور فزاینده‌ای از اصطلاح "باتلاق" در مورد جنگ استفاده نموده، و شروع به اشتباه و فاجعه نامیدن جنگ نمودند. بخش‌های بزرگی از طبقه حاکم شروع به جدا کردن حساب‌شان از جنگ نمودند.^۵

تابستان ۱۹۷۱ هم چنین شاهد رخداد سیاسی مهمی بود که سرانجام به نابودی ریاست جمهوری نیکسن انجامید. روزنامه نیویورک تایمز در جون آن سال دست به چاپ روایت مخفی حاکمیت از جنگ ویتنام زد که به *اسناد پنتاگون*^۶ معروف گردید. تهیه و تدوین این اسناد که در اصل به درخواست مک‌نم‌آرا، وزیر دفاع، و با هدف شرح تصمیم‌گیری‌های ریاست جمهوری در رابطه با ویتنام آغاز شده بود، اما، سه دهه از فریبکاری و دروغ‌پردازی‌های ایالات متحده را، که مشخصه بارز تاریخ سیاست‌هایش در جنوب‌شرقی آسیاست، به ثبت رساند.

مک‌نم‌آرا این اسناد را طبقه‌بندی شده اعلام نموده و اجازه داده بود که تنها چند نسخه از آن تهیه شود. *دنیل الزبرگ* که تحلیل‌گر پیشین وزارت دفاع و "جوان نابغه" مک‌نم‌آرا در دولت جانسن بود، در آن زمان برای گروه تحقیقاتی نیمه دولتی *رند کرپوریشن*^۷ کار می‌کرد.^۸ وی سرسختانه به مخالفت با جنگ پرداخت و پس از آن که سناتور *ویلیام فالبرایت*^۹ برپائی جلسه شنود پیرامون این مدارک را رد نمود، وی آن‌ها را برای انتشار به روزنامه نیویورک تایمز داد. نیکسن به شدت به خشم آمده و تمام تلاشش را به کار برد تا مانع انتشارشان توسط نیویورک تایمز و یا روزنامه‌های دیگر شود. دادگاه عالی تقاضای نیکسن را رد نموده و *اسناد پنتاگون* منتشر گردید.

نیکسن در پاسخ، اما، قدم‌های اولیه را در مسیر خود-نابودی کامل برداشت. وی دستور داد که تا کارمندانش یک واحد اطلاعاتی مخفی را که تنها به وی پاسخگو بوده به منظور بستن تمامی "نشأت‌های" درون سیستم ایجاد کنند. این افراد که اصطلاحاً با عنوان "لوله‌کش‌ها" معروف بودند می‌بایستی که دست به اقدامات جنائی علیه مخالفین نیکسن بزنند. بنا

³ Lam Son 719

⁴ در یکی از گزارش‌های سازمان سیا آمده بود که: "شگفت انگیز است که بیست-و-هفت ماه بمباران مداوم ویتنام شمالی تأثیر چندانی بر ستراتیژی کلی هانوی در دنبال کردن جنگ نداشته است." (Shawcross, 210) با این حال، به موازات تداوم جنگ، ایالات متحده به طور وسیعی استفاده از بمب‌افکن‌های ب-۵۲ را افزایش داد.

⁵ See Gibson, Chapter 15.

⁶ Pentagon Papers

⁷ Rand Corporation

⁸ For full story about the Pentagon Papers, see Ellesberg's own recently published memoirs, *Secrets: A Memoir of Vietnam and the Pentagon Papers* (New York: Viking Adult, 2002).

⁹ William Fulbright

به گفته رابرت هیلدمن^{۱۰}، رئیس ستاد در کابینه نیکسن، "بدون جنگ ویتنام و اترگیتی نیز وجود نمی‌داشت."^{۱۱} کاخ سفید در دوران زمامداری نیکسن برای تعقیب و سرکوب مخالفان سیاسی‌شان کاملاً آماده بود. نیکسن زمانی به یکی از دوستانش گفته بود که "اگر نتوانی دروغ بگوئی هرگز به جایی نمی‌رسی."^{۱۲} ایجل کرو^{۱۳}، یکی از کارمندان کاخ سفید، ذهنیت حاکم بر کاخ سفید دوره نیکسن را بی‌پرده این گونه خلاصه نمود: "هر کسی را که با ما مخالفت کند نابود می‌کنیم. در واقع امر، هر کسی را که از ما حمایت نکند نابود می‌کنیم."^{۱۴} نیکسن از این که ال‌زیبرگ ممکن است که از سیاست‌های وی، به ویژه بمباران مخفیانه کامبوج، با خبر باشد به شدت در هراس بود. نیل شیهن^{۱۵}، گزارشگر نیویورک تایمز که ال‌زیبرگ این اسناد را برای چاپ به وی داده بود، هنگام انتشار این اسناد در مقدمه‌اش نوشت که، "رهبران ایالات متحده در شش سال گذشته، از جمله ریچارد میلهاوس نیکسن، ممکن است که به عنوان جنایتکاران جنگی مجرم باشند."^{۱۶} دستبرد زدن به دفتر مرکزی حزب دموکرات واقع در مجموعه اداری و اترگیت که یک سال بعد از انتشار این اسناد صورت گرفت بخشی از عملیات گسترده نیکسن در سرکوب مخالفانش بود.

در حالی که ویتنامیزه کردن جنگ رو به شکست داشته و اسناد پنتاگون کشور را به لرزه درآورده بود، نیکسن اما سرگرم طرح‌ریزی یک رشته از ابتکارهایی در سیاست خارجی‌اش بود که وی امید داشت که بتواند توازن جهانی قدرت را به سود ایالات متحده چرخانده، به ویژه این که باعث تضعیف ویتنام شمالی در مذاکرات آینده شود. وی در فبروری ۱۹۷۲ در سفر معروفش به چین رفت، و چند ماه بعد از آن نیز به مسکو رفته و یک قرارداد کنترل تسلیحاتی را با روس‌ها امضاء نمود. این ابتکارها در واقع اقدامات روابط عمومی نبوغ‌آمیزی بود که دولت نیکسن آن‌ها را به عنوان "تلاش‌های صلح‌جویانه" قالب کرده بود. در حالی که عزم واقعی نیکسن این بود که با ایجاد ائتلافی با چین رقابت جهانی علیه روسیه را ارتقاء دهد. وی هم چنین می‌خواست که چین و روسیه با آوردن فشار به ویتنام شمالی، آن‌ها را به پذیرفتن شرایطی مجبور سازند که بیشتر مناسب حال ایالات متحده باشد. از زمان بر سر کار آمدن نیکسن، مذاکرات مخفی میان ایالات متحده و ویتنام شمالی برای خاتمه دادن به جنگ در موارد متعددی صورت گرفت که نتیجه چندان به دنبال نداشت.

اکثریت بزرگی از امریکائی‌ها به شدت از ابتکار نیکسن در مورد "گشایش" با چین استقبال نمودند، زیرا بر این باور بودند که جهان را به محل امن‌تری برای زندگی تبدیل می‌کند. این ابتکارها به همراه کاهش تعداد نیروهای امریکائی در ویتنام از جمله عواملی بود که باعث پیروزی بزرگ وی در انتخابات نومبر ۱۹۷۲ شد.

به این احتمال که ابتکارهای نیکسن منجر به تضعیف حمایت متحدین روسی و چینی‌شان شده و با مشاهده سست شدن مواضع امریکا در ویتنام^{۱۷}، رهبران ویتنام شمالی عملیات عمده‌ای را برای بهار ۱۹۷۲ طرح‌ریزی نمودند. در سی‌ام ماه مارچ تعداد دویست هزار نیروی مشترک ویتنام شمالی و جبهه آزادیبخش ملی از مرز عبور نموده و به سادگی ارتش ویتنام جنوبی را کنار زده و کمترین امیدی را هم که به ویتنامیزه کردن جنگ باقی مانده بود جاروب نمودند.

¹⁰ Harry Robbins "Bob" Haldeman

¹¹ Fred Emery, *Watergate: The Corruption of American Politics and the Fall of Richard Nixon* (New York: Touchstone, 1994), p. 8.

¹² Karnow, 577.

¹³ Egil "Bud" Krogh, Jr. *یکل امریکائی که برای نیکسن در کاخ سفید خدمت می‌کرد. وی به خاطر دست داشتن در افشاح و اترگیت زندانی شد.*

¹⁴ Karnow, p. 634.

¹⁵ Neil Sheehan

¹⁶ Young, p. 260.

¹⁷ در ژوئن ۱۹۷۲ تنها چهل و هفت هزار نیروی امریکائی در ویتنام باقی مانده بود.

هدف از این عملیات مجبور کردن ایالات متحده به بازگشت به میز مذاکره بود. به رغم حمایت نیروی هوایی امریکا، ارتش ویتنام جنوبی عقب‌نشینی کرده و در اوایل اپریل کنترل استان **کوآنگ تری**^{۱۸} از دست سایگون خارج شد. در اول ماه مه، پرچم جبهه آزادیبخش ملی بر فراز پایتخت به اهتزاز درآمده و راه به سمت **هوانی** گشوده شده بود. عملیات آن چنان مؤثر بود که **کرایتن آبرامز**^{۱۹}، فرمانده کل نیروهای ایالات متحده در ویتنام با تشویش گفته بود که "همه چیز ممکن است که از دست برود."^{۲۰} جبهه آزادیبخش ملی توانست که مناطق بسیاری را در **کوآنگ انگای** و **دلتای مکونگ**^{۲۱} باز-پس بگیرد. تنها کاربرد وحشیانه آتش هوایی از سوی ایالات متحده مانع از سرنگونی دولت سایگون گردید. برای نمونه، در نبرد **کونتوم**^{۲۲} در ارتفاعات مرکزی تنها در طی سه هفته هواپیماهای **۵۲**ب بیش از سیصد بار منطقه را بمباران کردند. در استان **کوآنگ تری** نیز بسیاری از شهرها به دلیل بمباران‌های ایالات متحده به تلی از خاکستر بدل شدند. در ماه اپریل ویتنام شمالی بیش از هفتصد بار توسط بمب‌افکن‌های **۵۲**ب بمباران شد. از جمله در این عملیات **هانوی** و **هایفونگ** به مدت **چهل-و-هشت** ساعت بدون وقفه بمباران شدند.

در ماه مه ۱۹۷۲ ایالات متحده و ویتنام شمالی به طور مخفیانه وارد مذاکره شده که در تمام طول تابستان آن سال ادامه یافت. **هنری کیسینجر** هیأت امریکائی را سرپرستی می‌کرد و رهبری تیم ویتنام شمالی به دست **له دوک تو**^{۲۳} بود. مذاکرات در گذشته به خاطر دو مسأله کلیدی متوقف شده بود - مسأله اول "خروج همزمان" نیروهای امریکائی و ویتنام شمالی از ویتنام جنوبی بوده و مسأله دوم وضعیت حکومت **تیو** در سایگون بود. اما، هنگامی که ایالات متحده درخواست بیرون رفتن نیروهای ویتنام شمالی از خاک ویتنام جنوبی را کنار نهاده، و ویتنام شمالی نیز درخواستش در مورد برکناری حکومت سایگون را نادیده گرفته و بر سر گفت-و-گو میان دو نهاد سیاسی، یعنی حکومت سایگون و حکومت انقلابی موقت جبهه آزادیبخش ملی، توافق نمود، موجبات راهگشائی در مذاکرات فراهم شد. **کیسینجر** پیش-نویس قرارداد را پذیرفته و برنامه زمانی برای امضاء قرارداد در هانوی را تعیین نمود. اما، **نیکسن** بر این باور بود که پس از برگزاری انتخاباتی که در پیش بود وی خواهد توانست که قرارداد بهتری را به امضاء رسانده و به این دلیل شروع به کارشکنی در امضای قرارداد نمود.

پس از آن که **نیکسن** با اکثریت بزرگی در انتخابات به پیروزی رسید، **کیسینجر** با **له دوک تو** ملاقات نموده و خواهان گرفتن امتیازهای بیشتری شد. ویتنام شمالی با قاطعیت به **کیسینجر** جواب رد داده و شروع به بیرون بردن سالمندان و کودکان از هانوی کرده و دست به تهیه و آماده‌سازی پناهگاه‌های بمباران هوانی زدند.^{۲۴} آن گاه **نیکسن** عملیات بمباران هانوی و هایفونگ به توسط هواپیماهای بمب‌افکن **۵۲**ب را آغاز نمود که به "بمباران‌های کریسمس" معروف شد. آغاز عملیات در هژدهم دسامبر ۱۹۷۲ بوده و با احتساب تعطیلی یک روزه کریسمس، به مدت ده روز ادامه داشت. در این مدت، ایالات متحده بیش از سی-وشش هزار تَن بمب بر روی کارخانه‌ها، خطوط آهن، ایستگاه‌های اتوبوس و

¹⁸ Quang Tri

¹⁹ Creighton Abrams

²⁰ Young, p. 270.

²¹ Mekong Delta

²² Kontum

²³ Lê Đức Thọ از بنیان‌گذاران حزب کمونیست هندوچین بود. وی سال‌ها در زندان استعمارگران فرانسوی اسیر بود. وی در حزب کارگران ویتنام (حزب کمونیست ویتنام) عضو دفتر سیاسی بود. در سال ۱۹۷۳ به همراه هنری کیسینجر به دریافت جایزه صلح نوبل انتخاب شد. وی، اما، از پذیرفتن این جایزه خودداری نمود. له در سال ۱۹۹۰ درگذشت. (م)

²⁴ For a complete account of the peace negotiations see Gareth Porter, *A Peace Denied: The United States, Vietnam, and the Paris Agreement* (Bloomington: Indiana University Press, 1975).

دیگر تأسیسات شهری ریخت؛ بزرگترین بیمارستان هانوی و منطقه مسکونی **خنیم تین**^{۲۵} نیز مورد هدف قرار گرفتند.^{۲۶} به رغم این که نیمی از ساکنین هانوی از شهر خارج شده بودند، اما، بیش از ده هزار نفر غیرنظامی بر اثر این بمباران‌ها جان باختند. **جان نگرپونته**^{۲۷}، یکی از اعضای شورای امنیت ملی با کنایه گفته بود که "ما با بمباران ویتنام شمالی آن‌ها را به پذیرفتن شرایطمان متقاعد نمودیم."^{۲۸} اما، پیمان صلحی که توسط ایالات متحده، ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی، و حکومت موقت انقلابی به امضاء رسید اساساً همانی بود که **نیکسن** پیش از بمباران کریسمس با آن توافق نموده بود.

پیمانی که به جنگ امریکا در ویتنام خاتمه داد در ۲۳ جنوری ۱۹۷۳ در پاریس به امضاء رسید. آخرین گروه از سربازان امریکائی در ماه مارچ همان سال از ویتنام خارج شدند. **یانگ**، مؤرخ امریکائی، جنگ **نیکسن** در ویتنام را این گونه خلاصه نموده است:

بین سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۲، در حالی که **نیکسن** جنگش علیه ویتنام را به نام صلح ادامه داد، تعداد ۱۵۳۱۵ نفر از نیروهای امریکائی، ۱۰۷۵۰۴ نفر از نیروهای حکومت سایگون، و بیش از چهارصد هزار نفر (رقم تخمینی) از نیروهای ویتنام شمالی و جبهه آزادیبخش ملی در نبردها کشته شدند. اگرچه آمار معتبری در مورد تلفات غیرنظامی‌ها در دست نیست، اما تخمین زده می‌شود که به ازای هر سال از ریاست جمهوری **نیکسن** تعداد ۱۶۵۰۰۰ غیرنظامی در ویتنام جنوبی کشته شدند.^{۲۹}

نیکسن که به خاطر **افتضاح و اترگیت** مورد استیضاح قرار می‌گرفت در اگست ۱۹۷۴ از ریاست جمهوری استعفاء داد. متحدین امریکا در سایگون نتوانستند چندان دوام بیاورند. بقایای حکومت سایگون در اپریل ۱۹۷۵ به نیروهای ویتنام شمالی تسلیم شدند. جنگ سی ساله به پایان رسید. ایالات متحده در برابر دیدگان جهانیان با تحقیر به زانو در آمده بود. یکی از فقیرترین کشورهای جهان پر قدرتمندترین ماشین نظامی جهان در تاریخ مدرن را شکست داده بود.

ادامه دارد

²⁵ Kheim Thien

²⁶ Appy, *Patriots*, p. 396.

²⁷ John Negroponte یکی از مهره‌های امپریالیسم امریکا که در جنایت‌های متعددی دست داشته است. وی در دوره‌ای که سفیر ایالات متحده در هندوراس بود، با استفاده از ارتش جنایت‌کار این کشور بر علیه دولت سان‌دینیستی نیکاراگوئه می‌جنگید. پس از تجاوز امپریالیسم امریکا به عراق و اشغال آن کشور، به سمت سفیر به عراق فرستاده شد تا در توطئه بر علیه خلق ستم‌دیده‌ی عراق و دیگر خلق‌های خاورمیانه فعالیت کند. (م)

²⁸ Quoted in Nguyen Tien Hung and Jerrold L. Schecter, *The Palace File: Vietnam Secret Documents* (New York: Perennial Library, 1986), p. 146.

²⁹ Young, p. 280.